

پایداری، توسعه و محیط زیست، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳ (۱۳۵-۱۱۳)

تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر ساماندهی محیط و منظر لبه‌های شهری، در راستای ارتقای کیفیت محیط زندگی، مبتنی بر خلق فضای شهری پاسخ‌گو (مورد پژوهشی: حاشیه مسیل کن منطقه ۱۸ تهران)*

آنا علامی^{۱*}

ana.allami@gmail.com

حسنعلی لقایی^۲

حسین موسوی فاطمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: لبه‌های شهری از مهم‌ترین عناصر ساختار شهری هستند که نقش اساسی در منظر اکولوژیک شهری و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین آن داشته و از سوی دیگر تشکیل‌دهنده تصویری مثبت و پاسخ‌گو به شهر هستند. حاشیه مسیل کن در منطقه ۱۸ تهران (حد فاصل بزرگراه فتح تا آزادگان) به‌عنوان یک لبه درون‌شهری با چالش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی روبه‌رو بوده و انسجام و خوانایی آن از بین رفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ضرورت شکل‌گیری فضای شهری پاسخ‌گو در ساختار شهری به‌دنبال ارتقای کیفیت محیط زندگی شهری و بهبود الگوهای رفتاری شهروندان بوده است. لذا این پژوهش بر آن دارد تا با تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر ساماندهی لبه مسیل کن، این فضای نامنسجم و منزوی را به فضایی سرزنده، پویا، تعاملی و منسجم و رویدادمدار که از خصوصیات فضای شهری پاسخ‌گوست تبدیل نماید. ساماندهی این لبه شهری می‌تواند متضمن ارتقای کیفیت زیست‌پذیری محیط زندگی، احساس امنیت و حس تعلق به مکان برای شهروندان و بهبود تصویر عینی، بصری و ادراکی، معنایی در اذهان عمومی گردد.

روش بررسی: این پژوهش از نوع کیفی و به شیوه تحلیل محتوا و با ماهیت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است که ضمن استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی مؤلفه‌های مؤثر بر ساماندهی محدوده طرح مسیل کن (منطقه ۱۸ تهران) در راستای ارتقای کیفیت محیطی و مبتنی بر خلق فضای شهری پاسخ‌گو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

* این مقاله ادای دین و احترامیست به استاد گران‌قدر و دل‌سوز، زنده یاد دکتر حسنعلی لقایی. انجام این پژوهش در زمان حیات ایشان نیمه‌تمام ماند.

روحشان شاد، یاد و نامشان همیشه جاودانه و گرامی باد. (یادداشت مسوول مکاتبات)

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته مهندسی طراحی محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. * (مسوول مکاتبات)

۲- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- دکتری شهرسازی، مربی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی طراحی محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از تخریب شدید فضاهاى باز زیست‌محیطی و پهنه‌های اجتماعی این محدوده است که باعث بروز انقطاع در پیوستگی بین کریدورها و لکه‌های سبز شهری، بارز نبودن هویت لبه مربوطه و پدیدار گشتن مکانی نابسامان همراه با اختلالات اکولوژیکی، ناامنی اجتماعی و عدم کیفیت محیط زندگی است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به وجود نابسامانی و بارز نبودن هویت لبه محدوده مورد مطالعه نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طراحی شبکه سبز شهری در قالب محور اکولوژیکی، گشایش دروازه‌های لبه و ایجاد حس دعوت‌کنندگی به لبه درون شهری را همراه دارد. پیوند درون لبه با حاشیه و همچنین دستیابی به مناسب‌ترین سازمان فضایی مؤثرترین راهکار برای ساماندهی این لبه شهری است. احیای هویت قدیمی این لبه فراموش شده شهری منجر به افزایش کیفیت و امنیت محیط زندگی با خلق محیط و منظر پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی در شهر می‌باشد. لازم به ذکر است پیش شرط موفقیت در برنامه‌های مشارکتی شهروندان، باور سیاست‌گذاران و مدیران شهری به تأثیر مشارکت شهروندی در بهبود کیفیت محیط زندگی و یافتن راه حلی مناسب برای آنهاست.

واژه‌های کلیدی: فضای شهری پاسخ‌گو، لبه شهری، ساماندهی محیط و منظر، کیفیت محیط زندگی، شبکه سبز شهری.

Explanation of effective components in organizing environment and urban edges landscape in order to improve the quality of the living environment based on creating a responsive urban space (Research case: Kan Ravine fringe, District 18, Tehran)*

Ana Allami ^{1*}

ana.allami.ana@gmail.com

Hassanali Laghaei²

Seyed Hossein Mousavi Fatemi³

Admission Date: August 18, 2024

Date Received: July 10, 2024

Abstract

Background and Objective: urban edges are considered to be one of the most important elements of the urban structure that play an essential role in the urban ecological landscape and improving the quality of life of its residents, and on the other hand, they form a positive and responsive image of the city. The Kan Ravine fringe in the 18th district of Tehran (Fath to Azadegan Highway) as an urban edge has faced environmental and social challenges, and its coherence and legibility have been lost. The present study has been carried out with the aim of investigating the necessity of forming a responsive urban space in the urban structure in order to improve the quality of the urban living environment and improve the behavior patterns of citizens. Therefore, this study seeks to explain the effective components on organizing the Kan Ravine fringe in order to transform this incoherent and isolated space into a lively, dynamic, interactive and coherent and event-driven space, which is one of the characteristics of a responsive urban space. The organization of this urban edge can guarantee the improvement of the livability quality of the living environment, the feeling of safety and security and the sense of belonging to the place for the citizens and the improvement of the objective, visual and perceptual image in the public mind.

Material and Methodology: This study was conducted as a qualitative research using the content analysis method and with a descriptive-analytical nature. In addition to using library data and field studies, the factors affecting the organization of the area of the Kan Ravine fringe (18th district of Tehran) were analyzed in order to improve the quality of the environment and based on creating responsive urban space.

* This study is a tribute to the dear and compassionate professor, the late Dr. Hassan Ali Laghaei. This research was not completed during his lifetime. May their souls be happy, May God rest his soul in peace. **(Corresponding Author's note)*

1- Graduated from Master's degree in Environmental Design Engineering, Tehran Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. **(Corresponding Author)*

2- Assistant Professor of Urban Planning Department, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- PhD in Urban Planning, instructor, Faculty member of the Department of Environmental Design Engineering, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran.

Findings: According to the findings of the research, the environmental open spaces and social areas of this area have been severely destroyed, which has caused a continuity discontinuity between corridors and urban green spots, the lack of clear identity of the relevant edge and the emergence of a disordered place with ecological disorders, social insecurity and lack of quality of living environment.

Discussion and conclusion: Due to the disorder and lack of clear identity of the edge of the studied area, the results of the present study show that the design of the urban green network in the form of an ecological axis is associated with the opening of the edge gates and creating a sense of invitation to the urban edge. The most effective way to organize this urban edge is to establish a link between the inner edge and the periphery, as well as achieving the most appropriate spatial organization. Revival of the old identity of this forgotten urban edge leads to improve the quality and safety of the living environment by creating an environment and landscape that meets social needs in the city. It should be noted that the belief of policy makers and city managers in the impact of citizen participation in improving the quality of the living environment and finding a suitable solution for them is a prerequisite for success in citizen participation programs.

Keywords: responsive urban space, urban edge, organizing the environment and landscape, the quality of living environment, urban green network.

مقدمه

که نقش اساسی در منظر اکولوژیک شهری و نیز هویت محیط زندگی ساکنین آن دارد (۶).

مبانی نظری

لبه‌های شهری مرزهای شهر هستند که مجموعه‌ای بزرگ از ساختار، فرم شهر و محتوای فضایی آن را مشخص می‌کنند. به این ترتیب لبه‌های شکل گرفته در ساختار و فضای شهری، اجزای تشکیل‌دهنده تصویری مثبت و پاسخ‌گو به شهر هستند. اما امروزه به سبب رشد سریع شهرها، این لبه‌های عملکرد، خوانایی خود را از دست داده است و به فضایی فاقد عملکرد مناسب تبدیل شده‌اند. این امر ضرورت ایجاد مکان‌ها و لبه‌های شهری واجد معنا به جهت پاسخ‌گویی اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی و همچنین ارائه خدمات متنوع شهری در محیطی پاسخ‌ده را بیش از پیش آشکار می‌کند. یک فضای شهری پاسخ‌گو پیوندی میان فعالیت‌ها و مکان‌ها و در نتیجه فضای اجتماعی معناداری ایجاد می‌کند (۷). در نتیجه این امر، مستلزم توجه بیشتر به خوانش مجدد لبه‌های نادیده گرفته شده شهر، در مطالعات پژوهشی است. مسیلهای شهری به‌عنوان لبه‌های درون‌شهری گونه‌ای از فضاهای پنهان شهری هستند که هم خدمات اکولوژیک و هم خدمات اجتماعی را با خود به‌همراه دارند. در طراحی و احیای

فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی فراتر از یک فضای کالبدی است. فضای شهری در یک تعریف عام شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا ناآگاهانه و با مقاصد مختلف در ارتباط با آن هستند (۱). باید مد نظر داشت که فضای شهری فقط در فضای خالی بین ساختمان‌ها تعریف نمی‌شود بلکه مفهومی دربرگیرنده محیط طبیعی و انسان‌ساز، با تمام رویدادها و روابط میان آنهاست (۲). فضای شهری مهم‌ترین مکان برای نمایش دادن و اهمیت بخشیدن به رویدادها و واقعه‌های اجتماعی است (۳). مهم‌ترین مطالعات در ساختار شهری و احیا فضاهای شهری نگاه به عناصر ساختاری شهر به مانند راه، لبه، گره، نشانه و حوزه شهری می‌باشد. محله‌ها با گره‌ها پیوند دارند و لبه‌ها حد آنان را مشخص می‌کنند و با راه‌ها می‌توان به درون آنها داخل شد و نشانه‌ها، سیمای آنها را متمایز می‌کنند (۴). نگاه ساختاری به فضای شهری می‌تواند از تفکیک و جداسازی حوزه‌های مختلف که سبب کاهش کیفیت فضای شهری و تداخل کاربری‌های گوناگون می‌گردد جلوگیری نماید (۵). ایجاد ساختار و سیمای شهری جدید و سازگار می‌تواند منجر به تعلق خاطر مخاطبین گردد. از مهم‌ترین عناصر ساختار شهری لبه‌های شهری می‌باشند

شده که در رساندن اطلاعات محتوایی و مکانی و بالطبع ایجاد احساس امنیت و حس تعلق به مکان برای شهروندان ناموفق عمل کند و تصویر عینی، بصری و ادراکی، معنایی درستی در اذهان عمومی در محدوده این لبه شهری ثبت نگردد. بخشی از اغتشاش حاکم بر محیط و منظر شهری ناشی از نابسامانی‌های این لبه شهریست. انسجام‌بخشی به این لبه به معنای ایجاد هماهنگی بین بستر و جداره لبه مسیل موجود می‌باشد. لذا پژوهش حاضر بر آن دارد تا از طریق شناسایی مؤلفه‌های فضای شهری پاسخ‌گو در قالب محور اکولوژیکی و کاربردی در ساختار شبکه اکولوژیک شهر تهران، سبب بهبود ساختار شهری و ساماندهی محیط و منظر نامطلوب گردد چراکه در شرایط فعلی با عدم توانایی در پاسخ‌دهی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی ساکنین و شهروندان روبه‌روست.

ضرورت شکل‌گیری فضای شهری پاسخگو در لبه و اهداف تحقیق:

ضرورت این مطالعه بر آن است تا اهمیت شکل‌گیری فضای شهری پاسخگو در حاشیه و لبه‌های شهری را برجسته کرده و لبه را به‌عنوان یک عنصر هویتی شهر شناسایی کند. هدف این پژوهش بررسی لبه‌های شهری و پاسخ‌گویی آن به فضاها در بافت و ساختار شهری است. در نتیجه «ایجاد فضاهای پاسخگو و خلاق در فضای شهری» که ارتقای کیفیت محیط زندگی شهری را نیز به دنبال خواهد داشت، از اهداف اصلی این تحقیق می‌باشد. همچنین این پژوهش بر پاسخ‌دهی محیط زندگی و فعالیت‌های اجتماعی حاکم است که بر الگوهای رفتاری افراد تأثیر می‌گذارد که به دنبال آن کیفیت عینی و ذهنی محیط زندگی ساکنین، تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان ارتقا می‌یابد. بنابراین مهم است که بر تحول مثبت لبه‌های شهر و نقش ضمنی آن تمرکز کنیم. منظر شهری و عناصرش را می‌توان از طرق مختلف بررسی کرد و با توجه به نظریه‌های محققین و اصول مختلف آن را تحلیل کرد. در طراحی منظر اکولوژیک شهری، فضای پاسخگو به نیازهای اجتماعی و ارائه دهنده خدمات فرهنگی و اکولوژیک و تداوم هویت منظر مورد توجه قرار خواهد گرفت «زیرا فضاهای

حاشیه مسیل‌ها به‌عنوان لبه شهری، نفوذپذیری و خوانایی، تنوع و استحکام، می‌تواند این فضاها را از یک فضای تکه‌تکه و منزوی به فضای تعاملی و منسجم، سرزنده، پویا و رویدادمداری که از خصوصیات فضاهای پاسخ‌گوی شهریست تبدیل کند که خود، متضمن ارتقای کیفیت زیست‌پذیری محیط زندگی و تعاملات ساکنین این محدوده می‌شود. اما متأسفانه گاهی در کشور ایران، این عناصر ارزشمند اکولوژیک بسترشان تبدیل به چالش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی می‌شوند، به طوری که تمایل شهروندان به حضور در این فضاهای رها شده، ناامن و متروکه، به شدت کاهش می‌یابد. لبه‌های شهری تهران به دلیل عدم انطباق ساختار قدیم و جدید آن و عوارض منفی ناشی از توسعه سریع شهری از نابسامانی‌های بسیاری رنج می‌برند. از جمله انواع نابهنجاری‌های بصری، نابسامانی محیط و منظر شهری، عدم پیوستگی مطلوب در بافت و ساختار شهری و تخریب منابع طبیعی (به خصوص تخریب رود دره‌های شهری) که در پی آن با ناپایداری‌های محیط‌زیست انسانی و محیط روان‌شناختی و نیازمندی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان روبه‌رو هستیم.

حاشیه مسیل کن واقع در منطقه ۱۸ تهران، حد فاصل بزرگراه فتح تا آزادگان از جمله لبه‌های شهری است که به دلیل عدم شناخت ظرفیت‌های مسیل و محیط و منظر آن، از منظر هویت شهری، فضای شهری و کیفیت مطلوب زندگی برای ساکنین و تعاملات اجتماعی ساکنین با معضلات متعددی روبه‌روست و انسجام و خوانایی آن از بین رفته است. متأسفانه مطالعات انجام گرفته محدوده مورد نظر حاکی از تخریب شدید کریدور طبیعی مسیل کن، تخریب فضاهای باز باقی مانده و تغییر کاربری فضاهای سبز موجود در پهنه‌های جغرافیایی آن است که باعث بروز انقطاع در پیوستگی بین کریدورها و لکه‌های سبز شده است. در صورتی که هرچه لکه‌های سبز در ساختار شهری بزرگ‌تر و پیوسته‌تر باشند پایداری و پویایی بیشتری را سبب می‌شوند (۸). تعدد مالکین در بخش‌های جنوبی و شرقی محدوده و هم‌جواری با گودهای اراضی شن و ماسه، از تهدیدها و ضعف‌های این محدوده برای سلامت محیط زندگی-اجتماعی ساکنین و شهروندان محسوب می‌شود. تخریب لبه شهری در امتداد مسیل کن و ناخوانایی آن موجب تضعیف محیط روان‌شناختی محدوده

شهری پاسخ‌گو مستقیماً به نحوه تجربه مردم و ادراک آنها اثر می‌گذارد.»

لبه‌های شهری مرزهای شهر هستند، که موجودیت بزرگ محصور شکل شهر و محتویات فضایی را مشخص می‌کنند. به گفته هایدگر (۱۹۷۴) «مرز، بخشی نیست که چیزی در آن متوقف شود، بلکه همان‌طور که یونانیان تشخیص داده‌اند، مرز آن است که چیزی از آنجا شروع می‌یابد و ارائه می‌گردد» (۷). درست است که لبه به‌عنوان فضای بیرونی فیگورال حاشیه شهری عمل می‌کند و به مانند یک مرز، حدی را در شهر تعریف می‌کند اما همین امر ممکن است باعث شود که محله‌ها، ساختار شهر را به‌صورت ترتیبی نامنظم، به قطعات بریده از یکدیگر تقسیم کنند. اما در این پژوهش با نفوذ لبه‌ها و لکه‌ها درون هم و ایجاد ساکنس‌بندی و سوق دادن امیال، اذهان و نگاه ناظران از فضای بیرون لبه به درون آن، «تعامل محلات و ساکنین» در یک فضای پیوسته و شفاف و پاسخ‌ده اتفاق می‌افتد. در این صورت لبه را عامل پیوند به حساب می‌آوریم و نه صرفاً حدود مرز جدا کننده. پیوندی که دو تکه مختلف از شهر را به یکدیگر می‌بافد که خود از جنبه‌های نوآوری در این تحقیق است. ساماندهی محیط و منظر طبیعی و انسان‌ساز لبه به کمک طراحی شبکه سبز اکولوژیک شهری (سبزراه)، احیا و ایجاد ارتباط بین لکه‌های سبز و رفع انقطاع در محدوده منظر طبیعی و بکر حاشیه مسیل با اراضی معادن شن و ماسه اهمیت کاربردی زیاد دارد. این امر می‌تواند در امتداد لبه شهری مسیل کن، جهت اتصال به دالان‌های بوم‌شناسانه رود با ایجاد اتصال بصری و فیزیکی و لحاظ کردن ملاحظات زیست‌شناسانه، سبب ایجاد فضای شهری پاسخ‌گو در راستای ارتقای کیفیت محیط و منظر لبه، ارتقای امنیت، هویت و کیفیت محیط زندگی ساکنین و در نتیجه مشارکت هرچه بیشتر شهروندان پیرامون محیط زندگی خود و در نهایت سبب پایداری مکان‌های شهری شود. بررسی عملکرد زیست‌محیطی، بهینه‌سازی ساختار اکولوژیک شهر تهران، پیوستگی شبکه‌ها، انسجام و هویت‌بخشی لبه‌های شهری، سبب انتظام فضای شهری و ساماندهی محیط و منظر شهر تهران می‌شود. ضرورت رسیدن به اهداف کلی و آرمانی همچون ایجاد ارتباط اکولوژیک بین لبه شهر و طبیعت، ترمیم، احیا و توسعه

کریدورهای طبیعی و توجه به رود دره کن به‌عنوان میراث با ارزش طبیعی باقی‌مانده در شهر تهران نیز، در این تحقیق بررسی می‌شود (۹).

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش تحقیق توصیفی-تحلیلی و نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی می‌باشد. گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای-میدانی صورت گرفته است. این مقاله از حیث هدف کاربردی بوده که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌صورت کیفی سعی شده تا جهت دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر ساماندهی لبه‌های شهری در راستای فضای شهری پاسخ‌گو ضمن بررسی وضع موجود حاشیه مسیل کن به‌عنوان مطالعه موردی، یا پس از بررسی و تجزیه و تحلیل معضلات موجود، به ارائه راهکارها و پیشنهادهای در راستای هویت بخشی، ارتقای کیفیت محیط زندگی و تعاملات اجتماعی ساکنین از طریق طراحی یک شبکه سبز شهری در قالب محور اکولوژیک پرداخته شود که قابل تعمیم به سایر لبه‌های شهری که واجد ویژگی‌های مشابه این لبه شهری هستند، نیز باشد. در محدوده مورد مطالعه، به تحلیل و بررسی ظرفیت محیط و منظر حاشیه مسیل به‌عنوان لبه شهری و ساماندهی محیط زندگی ساکنین و شهروندان و احیای هویت محیطی لبه از طریق طراحی محور سبز اکولوژیک که جنبه کاربردی و هویت‌بخشی به این لبه فراموش شده شهری دارد، پرداخته شده است. توجه به امر مهم جهانی که با بررسی و تحلیل دقیق محیطی چگونه مناطق حساس و آسیب‌پذیر زیست‌محیطی، فضاهای متروکه و رها شده مسیل می‌تواند به منابع مهم در توسعه پایدار شهری و در راستای طراحی شبکه سبز اکولوژیک در لبه تبدیل شوند، در این بررسی صورت گرفته است. منطقه مورد مطالعه به‌عنوان یک «لبه درون شهری» مورد بررسی قرار می‌گیرد تا شاخصه‌های از دست دادن تعاملات مثبت در مکان با هویت در فضایی پاسخ‌گو را بازطراحی کند. از این رو محیط و منظر، فضای شهری و لبه‌های آن باید به‌منظور شناسایی الگوهای خاص فضایی و اجتماعی در ساختار بافت شهری مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرند.

تا سال ۱۳۸۵ از ۳۱۰۸۱۵ نفر به ۳۶۴۰۶۶ نفر افزایش یافته است و حاکی از کاهش جمعیت در دوره ده ساله اول ۶۵-۷۵ بوده و در دوره دوم ۷۵-۸۵ با افزایش جمعیت روبه‌رو شده است. بیشترین کانون‌های جمعیتی در ناحیه بولوار خلیج و در کنار معادن شن و ماسه خلیج و غرب خیابان فریت می‌باشد (۱۰). مسیل کن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اکولوژیکی در این منطقه می‌باشد (نقشه ۲).

شناخت منطقه ۱۸ تهران و بررسی مسائل و مشکلات محدوده طرح و لبه شهری مسیل کن - بزرگراه فتح تا بزرگراه آزادگان:

این منطقه در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان منطقه جدید به شهر تهران الحاق گردیده و در جنوب‌غربی شهر تهران واقع است (نقشه ۱). منطقه دارای اقلیم خشک می‌باشد. تعداد کل مردان ۱۲۹۶۵ و تعداد کل زنان ۱۲۰۱۵ می‌باشد. جمعیت منطقه از سال ۱۳۶۵



نقشه ۱- محدوده مناطق تهران، منطقه ۱۸ تهران و موقعیت محدوده طرح.

Map 1. The area of Tehran, 18th district of Tehran and the location of the plan area.



نقشه ۲- تصویر موقعیت سایت و محدوده لبه، نقشه لبه شهری نامنسجم در محدوده مسکونی، گود صنعتی خلیج و فربت

جریان مسیل کن

Map 2. The image of the site location and the edge area, the map of the incoherent urban edge in the residential and industrial area of Khalij and Farbat Kan Ravine flow

تداوم هویت و فقدان کیفیت فرهنگی-اجتماعی در محیط زندگی، وجود سیمای نامطلوب شهری در سطح منطقه، برخی از مهم‌ترین آسیب‌ها و مشکلات منطقه ۱۸ می‌باشند. سال‌های اولیه دهه چهل شمسی فعالیت برداشت معادن شن و ماسه در جنوب جاده کرج (فتح) و نزدیک به مسیل، شروع شد. اما متأثر از رشد افقی شهر تهران و قرارگیری معادن در مجاورت و بین اراضی

مسیل کن، در محدوده مورد بررسی که به طول ۳/۵ کیلومتر و به مساحت ۴۰۰ هکتار می‌باشد واقع شده است. لبه، از شمال به بزرگراه فتح، از جنوب به بزرگراه آزادگان، از شرق به مسیل کن و از غرب به محدوده مسکونی و صنعتی خلیج و فربت منتهی می‌شود. حاشیه‌ای بودن، گسستگی بافت در ساختار شهری و عدم انسجام قطعات فضای سبز، ضعف شدید استخوان‌بندی، عدم

فضای شهری محدوده در راستای نیازهای اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی ساکنین و زیست‌پذیر بودن محیط زندگی می‌باشد (شکل ۱). مشکل اقشار اجتماعی ساکن در منطقه فقدان خدمات شهری و مکان‌های با هویت گردشگری و نبود خدمات اجتماعی می‌باشد. زمانی که مردم از محیط و منظر خویش، پیام‌های بصری و ادراکی متعادل و درستی دریافت نکنند، احساس تعلقشان نسبت به محیط کاهش می‌یابد و پیرو اهمیت این موضوع ما به‌وضوح در محدوده اراضی مسکونی و حاشیه مسیل شاهد این امر مهم می‌باشیم.

شهری و همچنین با عمیق‌تر شدن گود معادن طی سالیان گذشته، امروزه وجود این اراضی و عوارض آن به معضلی جدی در شهر تبدیل شده. بافت مجاور در لبه شرقی گودال‌ها گسسته شده و خطرات و آسیب‌های اجتماعی با وجود محیطی ناامن و بی‌هویت فزونی گرفته (نقشه ۳). بین محل سکونت و اقشار اجتماعی ساکن رابطه‌ای دوطرفه وجود دارد. عدم تمایل شهروندان به اسکان در این محدوده و منطقه، کاهش جمعیت آن طی سال‌های ۷۰ تا ۷۵ و تداخل زمین‌های کارگاهی و انبارها با بافت مسکونی، خود حاکی از عدم کیفیت مطلوب و پاسخ‌گویی



نقشه ۳- موقعیت قرارگیری لبه شهری فراموش شده و تخریب شده همراه با معضلات اراضی مجاور در محدوده مسیل کن و لبه آن

Map 3. The forgotten and destroyed edge along with the problems of adjacent lands in the area of Kan Ravine and its edge

و پویا در لبه منجر به ایجاد محیط پاسخ‌دهنده همراه با کیفیت زیست‌پذیری، تعاملات اجتماعی و امنیت برای ساکنین و ماندگاری تصویر ادراکی-بصری قوی، مشخص و باهویت از لبه شهری در ذهن ساکنین و شهروندان شود.

یافته‌ها در محدوده:

مطالعات محدوده مورد نظر حاکی از تخریب شدید فضاهای باز زیست‌محیطی و پهنه‌های اجتماعی این محدوده است که باعث بروز انقطاع در پیوستگی بین کریدورها و لکه‌های سبز شهری شده است. حاشیه مسیل کن که لبه طبیعی محسوب می‌شود با طراحی نامناسب بدنه‌ها و دیواره مصنوعی به مکانی نابسامان با اختلالات اکولوژیک تبدیل شده است. نیاز به احیای این مسیل برای استفاده از ظرفیت‌های ویژه آن ضروریست. در ساماندهی لبه شهری در منطقه ۱۸ شهرداری تهران باید در پی روشی بود

عدم توجه به «یکپارچگی لبه و پیوستگی بصری و ادراکی مسیر در کالبد شهری و عدم وحدت و هماهنگی فضایی»، باعث شده این لبه شمالی-جنوبی شهری در منطقه ۱۸ فاقد کیفیت محیطی شاخص و مطلوب برای زندگی شهروندان شده باشد. بحران در منظر شهری نشان‌دهنده بحران در طراحی شهری است و بحران در طراحی شهری نشان‌دهنده بحران در فرایندهای توسعه و مدیریت شهری است که در این محدوده دیده می‌شود. بالاخص در لبه‌ها و لکه‌های محدوده مشخص شده در نقشه عدم بارز بودن بودن محدوده خیابان‌های فرعی و زمین‌های خاکی اطراف با لبه نسبت به مسیل و زمین‌های اطرافش دیده می‌شود. این ضلع مذکور از اراضی حاشیه مسیل کن، به‌طور کلی، ضرورت بسیار برای ساماندهی و منظرسازی بالاخص با طراحی شبکه سبز اکولوژیک دارد تا بتواند به‌تبع شکل‌گیری فضای شهری پاسخ‌گو

به نیازهای ساکنین و توجه به محیط روان‌شناختی را بیشتر در می‌یابیم. حال این دغدغه پیش می‌آید با استناد به اینکه محیط اجتماعی، محدوده‌ای ناامن، بدون هویت و فاقد انسجام و کیفیت زیست‌پذیری محیط برای انسان می‌باشد این امر منجر به عدم حس تعلق ساکنین و شهروندان به محدوده، عدم احساس مسئولیت نسبت به حفظ میراث فرهنگی-اکولوژیک و نبودن بستری مناسب برای تعامل و گفت‌وگوی انسان‌ها و مرادوات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنها می‌شود. حال با توجه به گفته «کافکا، نظریه رفتاری-محیطی لنگ، نظریه منظر ایمن الزلینکا و برنان و جیکوبز»، پایه و اساس رفتار و واکنش‌ها با توجه به معضلات احتمالی مطرح شده در محدوده، آیا بیشتر منفعلانه و خاکستریست یا مشارکتی و مثبت؟ محیط و فضا اجتماع دوست است یا اجتماع گریز و انزوا دوست؟ جهت رفع این‌گونه مشکلات و دغدغه‌ها، می‌بایست بررسی و تمرکز بیشتری نسبت به نگرش و عملکرد طراحان، مسئولین و دولتمردان به بازخوانی فضاهای گمشده و متروکه شهری همچون لبه شهری فراموش شده مسیل کن و احیا و طراحی آن جهت پاسخ‌دهی به نیازهای اجتماعی، رفتاری، فرهنگی انسان‌ها و توجه به خواست آحاد مردم به خصوص ساکنین محلات و منطقه مربوطه در مشارکت شهروندی و یا چرایی عدم مشارکت و چگونگی به رسمیت شناختن مشارکت مردم در حل این مسائل داشت.

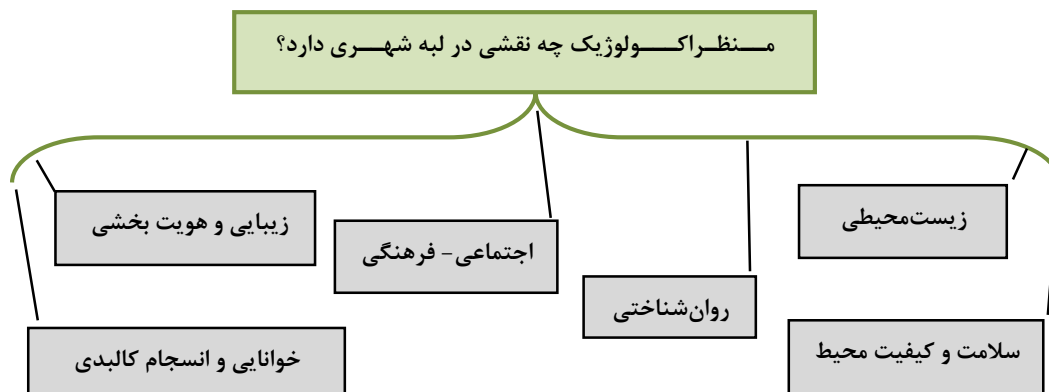
نگاهی به تعریف لبه شهری:

لبه شهر کمیتی کالبدی و عنصری از منظر شهر است که در تصویر ذهنی شهروندان یک امتداد را که نشانه‌ای قابل تشخیص از نظر بصری است تداعی می‌کند. رودخانه‌ها، دره‌ها و بدنه بزرگراه‌ها مصادیق لبه در شهر است. قوی‌ترین لبه فوراً به دیده می‌آید و پیوسته است.

منظر اکولوژیک و نقش آن در لبه شهری محدوده:

حفظ یا احیای منظر اکولوژیک و طبیعی در محیط شهری، مبنای ایجاد کیفیت زیست‌پذیری محیط سکونت و حمایت از تعادل اکولوژیکی است. برای درک بهتر این موضوع در (نمودار ۱) به بررسی عواملی پرداختیم که متأثر از منظر اکولوژیک در نظم و احیای ساختار و عملکرد لبه‌ها نیز نقش بسزایی دارند.

که مشخصه توالی و تسلسل را در خود نهفته داشته و عامل گذشت زمان در مفهوم تاریخی آن مرئی می‌گردد. این عناصر که در امتدادهایی معین سامان داده می‌شوند شبکه‌ای از خطوط یا به عبارت دیگر محورهایی را به وجود می‌آورند که واجد تسلسلی در زمان و فضا است. باید احساسی از پیوستگی درونی اجزا به وجود آید. ممکن است پاره‌ای عناصر به صورت مشخص تر ملاحظه شود اما تداوم تمام مجموعه حفظ گردد. در نتیجه ساماندهی، نظم بخشیدن و هویت‌بخشی به محیط و منظر لبه از طریق طراحی محور اکولوژیک با عملکردی چندمنظوره و پایدار که به بهبود ساختار شهری و پاسخ‌گویی فضای شهری و ارتقای شرایط کیفیت محیط زندگی اجتماعی و احیای هویت کمک شایان می‌کند می‌تواند حائز اهمیت باشد. برای سنجش چگونگی واکنش افراد در این محیط و فضای شهری فاقد پویایی و پاسخ‌دهی به نیاز سکنه و شهروندان به بررسی مجموعه عواملی در تعاریف و تقسیم‌بندی منظر، محیط و رسیدن به ویژگی‌های جدید در محیط و منظر شهری به وسیله تأکیدات مشترک نظریه‌پردازان و محققین محیط و منظر در جدول ۳ پرداختیم و در ادامه، پاسخ‌دهی محیط در راستای کیفیت محیط زندگی در فضای شهری از جانب برخی محققین و نظریه‌پردازان طراحی شهری را مورد بررسی قرار دادیم: «شاید یکی از بهترین احتمالات و چرا و چگونگی واکنش شهروندان نسبت به محیط زندگی‌شان را بتوان از تعریفی که کورت کافکا (۱۹۳۵) از محیط رفتاری ارائه داده یافت. زیرا کافکا معتقد است اساس رفتار انسان را تصویر شناختی محیط واقعی و عینی در ذهن مخاطب است، که تشکیل می‌دهد (۱۱). جان لنگ در سال ۱۹۸۷ در نظریه محیطی-رفتاری خود دریافت آدمی از فضا و تصورات مردم از محیط خویش را به‌عنوان نوعی طرح‌واره ذهنی تأثیرگذار مطرح می‌کند (۱۲). بر طبق نظریه منظر ایمن الزلینکا و دین برنان (۲۰۰۱)، توجه به محل زندگی قابل زیست‌تر و اجتماعات ایمن‌تر از ملزومات طراحی فضاهای عمومی است (۱۳) و نیز با استناد به نظریه جین جیکوبز پیرامون اهمیت محیط امن اجتماعی و تأکید بر حضور و تعامل بیشتر مردم در محیط به‌عنوان چشمان ناظر که منجر به امنیت روانی-اجتماعی و افزایش سرزندگی پیاده‌راه‌ها و کیفیت محیط زندگی خواهد شد (۱۴)، ضرورت وجود محیط‌های پاسخ‌ده



نمودار ۱- نقش منظر اکولوژیک در لبه شهری (ماخذ: نگارندگان)

Diagram 1. The role of the ecological landscape at the edge of the city (source: Authors)

در تعریف امروزی محیط و منظر به صورت واژه‌های جامع تعریف می‌شود که طبیعت بکر و شهر ساخته شده هر دو را دربردارد. جدول ۱ شامل تعاریف مختلفی که از منظر در تئوری‌های نظریه پردازان و بررسی اسناد صورت گرفته می‌پردازد و اقدامات و طرح‌هایی که در راستای رسیدن به ویژگی‌های مهم ذکر شده از منظر اکولوژیک در لبه مورد توجه قرار گرفته را شامل می‌شود.

جدول ۱- تعریف منظر، ویژگی‌های منظر اکولوژیک در لبه شهر و اقدامات و طرح‌های پیشنهادی، (ماخذ: نگارندگان)

Table 1. Landscape definition, features of the ecological landscape at the edge of the city and proposed measures and plans (source: Authors)

اقدامات پیشنهادی جهت ساماندهی لبه شهری	ویژگی‌های منظر اکولوژیک در لبه شهر	منظر
<p>- افزایش کیفیت محیط برای استفاده افراد جامعه با طراحی تفرجگاه و محور سبز.</p> <p>- ارتقا کیفیت محیط با انعطاف در کالبد و عملکرد، استفاده از پوشش گیاهی متنوع، ایمنی در مقابل سواره و امنیت پیاده در محیط جریان آب در طول مسیر حرکتی، مشاهده فعالیت‌ها و کشف ارزش‌ها و جاذبه‌های نهفته در منظر سبب ادراک هویت فضایی در راستای احساس تعلق و دریافت زیباییست.</p>	<p>سلامت و کیفیت محیط:</p> <p>- پاک‌ی هوا، زیبایی و احساس هویت</p> <p>- تعادل بین محیط طبیعی و محیط مصنوع</p> <p>- عدم تهاجر و خودنمایی و تحقیر</p> <p>- فقدان فشارهای روانی، وجود امنیت، آرامش و سکون</p>	<ul style="list-style-type: none"> • منظر شالوده ایست که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم سراسر دنیاست. • منظر نتیجه تعامل پیچیده متعددی است بین انسان و طبیعت و چشم‌انداز حاصل که هم زمینه‌ساز و هم محصول فعالیت‌های انسان خواهد بود. • گوردون کالن (۳) سه نوع منظر را تعریف می‌کند: منظر بسته: که ساختمانی عنصری مثل مجسمه را بر پا می‌دارند بعد از شما دعوت می‌کنند در چند قدمی آن ایستاده و آن را تحسین کنید. منظر پنهان: وجود حائل برای پنهان کردن منظر با گذر از حائل منظره خود نمایی می‌کند. منظر خودنمایی: منظر شما را در پیش‌زمینه و رسای به منظر دوردست مرتبط می‌کند. بنابراین احساس قدرت با حضور
<p>- ترمیم، احیا، توسعه کریدورهای طبیعی به‌عنوان مناطق با ارزش طبیعی باقی‌مانده.</p> <p>- تعریف شبکه سبز با محوریت طراحی محور اکولوژیکی و ایجاد ارتباط بین لکه‌های سبز جهت رفع انقطاع لکه‌های سبز (زون حیاتی محدود و شهر) با توجه به ملاحظات زیست‌شناختی (کنترل کیفیت آب و جلوگیری از تغییر ماهیت آن).</p> <p>- برپایی منظر موقت گیاهی با توجه به فصول سال. (کاشت گیاهان متناسب با هر فصل و نیز گیاهان همیشه سبز).</p> <p>- طراحی منظر سبز کاربردی جهت ارتقای کیفیت آب‌وهوا، کاهش آلودگی، کنترل سیلاب و باد و ایجاد رایحه مطبوع با کاشت گیاهان دارویی یا معطر.</p> <p>- طراحی و توسعه اکولوژیکی از طریق کشاورزی شهری.</p>	<p>زیست محیطی:</p> <p>در محدوده مورد بررسی لکه‌های باز و سبز مهم‌ترین لکه‌های ساختاری از نظر کیفیت محیط‌زیست و سلامت و پایداری ساختاری سرزمین شهری محسوب می‌شوند و در صورت پشتوانه برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب، می‌توانند از جمله عوامل پشتیبانی شبکه‌های فضای سبز و باز شهری تهران در مقیاس شهر و ناحیه محسوب شوند.</p> <p>- در روند توسعه شهر و ساماندهی شهری باید به وضعیت محیط طبیعی و محیط‌زیست شهری و شرایط بهداشتی در بخش‌های مختلف بافت قدیمی و جدی شهر توجه داشت.</p>	
<p>- برای مثال: ایجاد فضاهای امن با مقیاس‌های متناسب انسانی. زیرا عدم تناسب وسعت و مقیاس فضا و گیاهان با مقیاس انسانی، عدم آسایش روانی فرد را به‌دنبال خواهد داشت.</p> <p>- ایجاد نوارهای امن پیاده در امتداد لبه مسیل (کم‌رنگ کردن نقاط ناامن در طول مسیر در شب با نورپردازی‌های مناسب در شب و کیوسک‌های نگهدارنده در فواصل منظم، وجود مبلمان راحت و منسجم، کف‌سازی مناسب و نبود موانع در طول عبور بالاخص برای معلولین، نابینایان).</p> <p>- ایجاد احساس رضایت‌مندی بصری شهروند از محور سبز که منجر به ثبات لبه شهری در ذهن شهروندان در محدوده می‌شود. احساس رضایت</p>	<p>روان‌شناختی:</p> <p>المستد در طراحی پارک‌های شهری در حدود ۱۴۱ سال پیش تأکید می‌کند که بشر نیاز روحی دارد که در ارتباط نزدیک با طبیعت و آن هم طبیعت روستایی داشته باشد. اگر مردم در محیط زندگی‌شان بخش اعظمی از زمان را در ارتباط نزدیک با منظر نرم باشند در طول چند سال منافع در رفتار اجتماعی‌شان پدیدار می‌شود. ارزش‌های پنهان مستتر محیط با کیفیت‌های طبیعی بهترین مُسکن برای روح بشر است که جایگزینی برای آن یافت نمی‌شود (۱۶).</p>	

<p>زمانی اتفاق می‌افتد که فرد به حد نسبی از آسایش جسمی و روحی رسیده باشد (با ایجاد فضای مخصوص ورزش و در پیاده راه سلامتی). توجه به رویکرد اکولوژیکال دیزاین از طریق پالت رنگی (خواه مونوکروم و خواه پلی کروم) و پیوستگی منظر آن می‌توان تصویر ذهنی از رنگ شهر در افراد به وجود آورد و از تصویر ذهنی افسرده در اذهان و خاطره بازدیدکنندگان کاست.</p>	<p>مردم خوبی‌ها و مطلوبیت‌ها را در محیط ارزیابی می‌کنند. ترجیحات زیبایی شناختی را نمی‌توان جدا از بررسی مفاهیم ذهنی افراد نسبت به مکان دانست چراکه ادراک زیبایی همواره با روان و عواطف شخصی و پیش‌زمینه ذهنی افراد در ارتباط است (۱۷). عدم توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی رنگ‌ها، فضاهایی بی‌روح را در محدوده لبه رقم می‌زند که با روحیه انسان سازگار نیست.</p>	<p>در همه جا را در آن واحد القا می‌کند.</p> <ul style="list-style-type: none"> منظر نقش بسیار مهم و گسترده‌ای در شکل‌گیری بسترهای فرهنگی، اکولوژیک، اجتماعی و محیطی دارد (۱۵).
<p>- طراحی موفق منظر اکولوژیک با پیوند عوامل بوم‌شناختی و انسانی بخشی از تکوین پویای محیط و منظر فرهنگی را تشکیل می‌دهد مانند حفاظت از میراث اکولوژیک.</p> <p>- ایجاد فضاهایی با نظارت عمومی ممتد در عین خصوصی بودن حریم (مثلاً در فضاهای استراحت) و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و ورزشی.</p> <p>- معابر خاص برای رفت‌وآمد شهروندان پیاده در محور اکولوژیک که در آن غرفه‌هایی جهت تولید و فروش آثا بومی و دست‌ساز (توجه به مباحث اقتصادی و تعاملات اجتماعی و گپ و گفت‌وگو حین خرید) به خصوص به صورت فصلی و متحرک و قابل انتقال.</p> <p>- طراحی مسیرها و نقاط مکثی که امکان سُرور، شادمانی و تماشای دیگران را فراهم می‌کنند و درخور جست‌وجوگری است.</p>	<p>اجتماعی و فرهنگی:</p> <p>- منظر اکولوژیک در ساخت فرهنگ‌های محلی نقش اساسی داشته و زیرساختی حیاتی در ایجاد میراث فرهنگی و محیطی است (۱۵). به عقیده بیکن خصوصیات فضای شهر در واقع جوهر روابط فرهنگی و اجتماعی و فعالیت‌های شهروندان است و در همه ادوار استوار بر گذشته‌های وزین، حالی زنده و انعطاف‌پذیر برای آینده است (۱۸). نکته کلیدی در موفقیت فضاهای عمومی در محور اکولوژیک وجود یک بستر تبادل (فعالیت اقتصادی) است. اما از آنجاکه «تبادل فقط در فعالیت‌های تجاری خلاصه نمی‌شود»، فضاهای عمومی شهر باید امکان ایجاد ارتباطات جمعی و فرهنگی را نیز فراهم آورند (۱۹).</p>	
<p>- تسلسل به هم‌پیوسته از یک سری میداین یا نقاط مکث که هر کدام فقط توسط اتصالشان با دیگر فضاها قابل درک می‌گردد (استفاده از طرح‌ها و الگوهای مشخص، سنگ‌فرش کف پله‌ها و نشانه‌ها، محل فضاهای استراحت و فضای سبز در اتصال و پیوستگی با فضاها).</p> <p>ایجاد محوره‌های بصری کوتاه و بلند: محوره‌های کوتاه به دلیل فاصله کم بین ناظر و منظر و ارتباط بیشتر ناظر با آن سبب توجه بیشتر، به جزئیات می‌شود و با ایجاد وحدت در کل کالبد شهر و لبه شهر خوانا می‌شوند. در محوره‌های بلند به دلیل وجود مناظر گسترده‌تر ایجاد مناظر بدیع طبیعی با وسعت بیشتر فراهم است و دید ناظر در جهت هدایت می‌شود که انسجام و خوانایی در کالبد شهری را احساس می‌کند.</p>	<p>خوانایی و انسجام کالبدی:</p> <p>- کالبد شهری یکی از مهم‌ترین عناصر منظر شهریست و معانی گسترده زیبایی، هویت، جذابیت، شادابی و کارایی که ویژگی‌های کالبدی هستند را در برمی‌گیرد. در دهه‌های اخیر بعد خوانایی در کالبد و محیط‌های شهری دچار مشکل شده‌اند. مکان‌هایی که به لحاظ کالبدی و فرهنگی مهم به نظر می‌رسند و دارای جنبه‌های همگانی هستند در ارتقای هویت بخشی به محیط و منظرهای شهری مؤثرند.</p> <p>- غرض از خوانایی در منظر لبه شهری این است که به آسانی اجزای شهر شناخته شود و در قالبی به هم‌پیوسته در ذهن ارتباط یابد.</p>	
<p>- با تأکید روی برخی از المان‌های طراحی، می‌توان چشم را به یک بخش از ترکیب معطوف داشت (بهره‌گیری از تک درخت، یک گروه درختچه با ویژگی‌های خاص، یک ساختمان یا یک فواره و یا یک مجسمه) تضاد یا تباین: یکی از راه‌های ایجاد تنوع و کاستن از سادگیست. تضاد می‌تواند در رنگ، فرم و بافت و اندازه به‌کار رود. رعایت این موارد در طراحی محور سبز اکولوژیک مورد توجه قرار می‌گیرند که خود در برجسته‌سازی قسمت‌هایی از لبه شهری از طریق ایجاد منظر که جلب توجه می‌کند و در اذهان باقی می‌ماند، نقش اساسی هویت‌بخشی و ایجاد حس تعلق خاطر به مکان شهری دارند.</p> <p>- سبزه‌راه‌هایی که به‌عنوان مسیرها و دالان‌های طبیعی، از لحاظ زیست‌محیطی دلپذیر باشند و بتوانند مسیرهایی دل‌نشین با امکان تماشای منظرهای زیبا و وسیع فراهم کنند در هویت‌بخشی به مسیرها و جداره‌های شهری مؤثر هستند. آنها نقش و تصویری زیبا همراه با هویتی بارز در اذهان عمومی باقی می‌گذارند. زیباسازی جداره لبه و مسیر و خیابان مربوط به لبه مسیل و سبزه‌راه با استفاده از مصالح بومی و رنگ‌های هم‌خوان با بافت بومی و ترکیب‌بندی رنگی در کاشت گیاهان یا سیمای لبه مصنوع.</p>	<p>زیبایی و هویت بخشی:</p> <p>- دریافت زیبایی و هویت که با احساس و ادراک مردم سروکار دارد از طریق تجربه مکان شهری امکان‌پذیر می‌گردد. ترجیحات زیبایی‌شناختی را نمی‌توان جدا از بررسی مفاهیم ذهنی افراد نسبت به مکان دانست چراکه ادراک زیبایی همواره با عواطف شخصی و پیش‌زمینه ذهنی افراد در ارتباط است (۱۷).</p> <p>- پروشنسکی معتقد است هویت مکان شهری زیرمجموعه‌ای از هویت خویش است. فرد تنها محیط را در ذهن خود ثبت نمی‌کند بلکه احساسات و ایده‌هایش را در مورد آن بسط می‌دهد و با محیط خود از همان راهی ارتباط برقرار می‌سازد که هویتش آن را مهم می‌داند. به گفته رلف (۱۹۷۶) هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان عمق‌گسترش و تغییر می‌یابد. بویر (۱۹۹۴) نیز تداوم هویت را با تأکید بر خاطرات جمعی و ابعاد معنایی را در احساس لذت از یک منظر و درک زیبایی آن مطرح می‌کند (۲۰).</p>	<ul style="list-style-type: none"> منظر شالوده ایست که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم سراسر دنیاست. منظر نتیجه تعامل پیچیده متعددی است بین انسان و طبیعت و چشم‌انداز حاصل که هم زمینه‌ساز و هم محصول فعالیت‌های انسان خواهد بود. گوردون کالن (۳) سه نوع منظر را تعریف می‌کند: منظر بسته: که ساختمانی عنصری مثل مجسمه را بر پا می‌دارند بعد از شما دعوت می‌کنند در چند قدمی آن ایستاده و آن را تحسین کنید. منظر پنهان: وجود حائل برای پنهان کردن منظر با گذر از حائل منظره خودنمایی می‌کند. منظر خودنمایانه: منظر شما را در پیش‌زمینه ورسای به منظر دوردست مرتبط می‌کند. بنابراین احساس قدرت با حضور در همه‌جا را در آن واحد القا می‌کند. منظر نقش بسیار مهم و گسترده‌ای در شکل‌گیری بسترهای فرهنگی، اکولوژیک، اجتماعی و محیطی دارد (۱۵).

قوانینی است که اولاً بر شکل‌گیری محیط تسلط داشته، ثانیاً بر تداوم آن و همچنین استنباط انسان از آن و تأثیری که بر حیات انسان دارد نقشی درخور توجه ایفا می‌نماید. فرهنگ و خود انسان جزئی از محیط می‌باشند (۲۲).

کورت کافکا (۱۹۳۵) بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قائل می‌شود. چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می‌داند و محیط رفتاری را تصویر شناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد. داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم پدیده‌ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید (۱۱).

در جدول ۲ به تقسیم‌بندی انواع محیط و بررسی خصوصیات یا نقشی که در محدوده تحقیق بر اساس مطالعات و بازدید میدانی در محدوده لبه شهری صورت گرفته با استناد به نظریه برخی محققین و نظریه‌پردازان محیط شهری و محیط روان‌شناختی- رفتاری پرداخته شده است:

با توجه به بررسی این ویژگی‌ها هم ابعاد «ادراکی-ذهنی» منظر یک شهر را در نظر گرفتیم هم ابعاد «زمینه» منظر را. زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشت، اما در سیر تکاملی خود زمینه انسان‌گرایانه را نیز دربرگرفت و حوزه مطالعات خود را به وجوه «اجتماعی-فرهنگی» گسترش داد (۲۱). با توجه به این امر ساماندهی منظر ساخته شده توسط انسان، ساماندهی «معنا و ادراک حسی» نیز می‌باشد که در آن ویژگی‌های کالبدی نظیر مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، «خاصیت ارتباطی و نمادین» دارد. عناصر کالبدی در محیط و منظر حاصله، معانی گوناگون دارند و این معانی به‌طور نظام یافته‌ای به «فرهنگ» پیوند خورده است.

نگاهی به تعریف محیط و انواع آن از دیدگاه محققین و نظریه‌پردازان:

محیط را می‌توان منحصر به مجموعه عناصر طبیعی یا مصنوع تلقی نمود و یا هر دوی آنها را در شکل‌گیری محیط دخیل دانست. عنصر مهمی که در محیط نباید از آن غافل ماند اصول و

جدول ۲- انواع محیط و بررسی خصوصیات انواع محیط در محدوده لبه شهری مورد مطالعه (ماخذ: نگارندگان)

Table 2. types of environment and examination of characteristics of types of environment
In the area of the studied urban edge (source: Authors)

بررسی انواع محیط و تعاریف	بررسی خصوصیات انواع محیط و تطبیق دادن آنها با ویژگی‌های محدوده بر اساس مشاهدات میدانی	انواع محیط (محیط طبیعی و مصنوع) (محیط مؤثر: مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد - محیط بالقوه: برای رفتار انسان).
محیط کالبدی: لبه محدوده فاقد ابتدا و انتهای مشخص در حد فاصل بزرگراه فتح تا آزادگان می‌باشد در نتیجه ادراک بصری-ذهنی درستی از محیط کالبدی برای یافتن جهت مناسب، مشخص و حرکت کردن پیاده در این فضای بی‌معنا صورت نمی‌گیرد، حریم رودخانه و مسیل کن دارای عرضی متغیر و نسبت به آکس رودخانه نامتقارن است. اما دارای پتانسیل مثبت در صورت ساماندهی لبه مسیل و لکه‌ها و فضاهای سبز اراضی و زمین‌های کشاورزی می‌باشد.	محیط کالبدی: لبه محدوده فاقد ابتدا و انتهای مشخص در حد فاصل بزرگراه فتح تا آزادگان می‌باشد در نتیجه ادراک بصری-ذهنی درستی از محیط کالبدی برای یافتن جهت مناسب، مشخص و حرکت کردن پیاده در این فضای بی‌معنا صورت نمی‌گیرد، حریم رودخانه و مسیل کن دارای عرضی متغیر و نسبت به آکس رودخانه نامتقارن است. اما دارای پتانسیل مثبت در صورت ساماندهی لبه مسیل و لکه‌ها و فضاهای سبز اراضی و زمین‌های کشاورزی می‌باشد.	
محیط اجتماعی: کمبود نظارت مستمر نهادها و یا عدم نهادی که بستر امکان مشارکت مردم جهت رسیدن به خواسته‌ها و رفع کمبودهای محیط زندگیشان را فراهم کند، مشاهده شد. نبود تمایل سکنه به تعاملات اجتماعی با توجه به فقدان عرصه‌هایی که پاسخ‌گوی ارزش‌ها و نیاز انسانی باشند محسوس می‌باشد. محیط محدوده اجتماع گریز و انزوا دوست است یعنی تمایل دارد که مردم را از یکدیگر جدا نگه دارد و تعامل‌ها و معاشرت را تا حد امکان کاهش دهد (۲۳). طبق نظریه راباپورت مقتدر سازی شهروندان به‌عنوان وسط بین نهادها و دولت جهت تقویت امکانات افراد با توجه به توانایی‌شان در پیش‌بینی، کنترل و مشارکت در محیط زندگیشان لازم است و به گفته رابرتسون و مینکلر (۱۹۹۴)، افراد و اجتماعات چنین قدرت مقتدرانه‌ای را می‌توانند به‌طور مؤثر در تغییر مثبت محیط زندگیشان اعمال کنند (۲۴).	محیط اجتماعی: کمبود نظارت مستمر نهادها و یا عدم نهادی که بستر امکان مشارکت مردم جهت رسیدن به خواسته‌ها و رفع کمبودهای محیط زندگیشان را فراهم کند، مشاهده شد. نبود تمایل سکنه به تعاملات اجتماعی با توجه به فقدان عرصه‌هایی که پاسخ‌گوی ارزش‌ها و نیاز انسانی باشند محسوس می‌باشد. محیط محدوده اجتماع گریز و انزوا دوست است یعنی تمایل دارد که مردم را از یکدیگر جدا نگه دارد و تعامل‌ها و معاشرت را تا حد امکان کاهش دهد (۲۳). طبق نظریه راباپورت مقتدر سازی شهروندان به‌عنوان وسط بین نهادها و دولت جهت تقویت امکانات افراد با توجه به توانایی‌شان در پیش‌بینی، کنترل و مشارکت در محیط زندگیشان لازم است و به گفته رابرتسون و مینکلر (۱۹۹۴)، افراد و اجتماعات چنین قدرت مقتدرانه‌ای را می‌توانند به‌طور مؤثر در تغییر مثبت محیط زندگیشان اعمال کنند (۲۴).	
محیط روان‌شناختی: دیدگاه روان‌شناسی سازش‌مند یا تبدیلی (Tittelson, 1960) تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را مانند فرایندی سازش‌مند بین مشاهده‌گر و محیط مورد بررسی قرار می‌دهد (۲۵). فشارهای روانی ناشی از دوری از طبیعت و قرار گرفتن در محیط‌هایی که پاسخ‌گوی نیازهای انسان نیستند، عدم احساس آرامش و حس تعلق را منجر می‌شود. لزوم چشمان ناظر با توجه به نظریه جین جیکوبز برای شهروندان و ساکنین این محدوده، جهت حفظ امنیت روانی در این محیط، آن هم به میزان کافی، ضروری می‌باشد.	محیط روان‌شناختی: دیدگاه روان‌شناسی سازش‌مند یا تبدیلی (Tittelson, 1960) تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را مانند فرایندی سازش‌مند بین مشاهده‌گر و محیط مورد بررسی قرار می‌دهد (۲۵). فشارهای روانی ناشی از دوری از طبیعت و قرار گرفتن در محیط‌هایی که پاسخ‌گوی نیازهای انسان نیستند، عدم احساس آرامش و حس تعلق را منجر می‌شود. لزوم چشمان ناظر با توجه به نظریه جین جیکوبز برای شهروندان و ساکنین این محدوده، جهت حفظ امنیت روانی در این محیط، آن هم به میزان کافی، ضروری می‌باشد.	
محیط رفتاری: کانتر عقیده دارد که هرگاه دریافت و تجربه یک مکان، قابل تجزیه به اجزای قابل تشخیص باشد، دریافت و تجربه، خود، به‌مثابه واحد مرجعی برای درک و فهم رفتاری می‌باشد (۲۶). امر بر میزان تبادل و تعامل افراد و محیط آنها دلالت دارد. بر طبق تعریف کورت کافکا که اساس رفتار انسان را نشأت گرفته از تصویر شناختی محیط عینی می‌داند، و با توجه به گفته کانتر، در این محدوده با فقدان امنیت اجتماعی روبه‌رو هستیم. محدوده قابلیت خوانایی و جهت‌یابی را دارا نمی‌باشد و نوعی سردرگمی را برای افراد ایجاد می‌کند. محیط رفتاری، کمتر منجر به حضور و رفتار مشارکتی مثبت خواهد شد.	محیط رفتاری: کانتر عقیده دارد که هرگاه دریافت و تجربه یک مکان، قابل تجزیه به اجزای قابل تشخیص باشد، دریافت و تجربه، خود، به‌مثابه واحد مرجعی برای درک و فهم رفتاری می‌باشد (۲۶). امر بر میزان تبادل و تعامل افراد و محیط آنها دلالت دارد. بر طبق تعریف کورت کافکا که اساس رفتار انسان را نشأت گرفته از تصویر شناختی محیط عینی می‌داند، و با توجه به گفته کانتر، در این محدوده با فقدان امنیت اجتماعی روبه‌رو هستیم. محدوده قابلیت خوانایی و جهت‌یابی را دارا نمی‌باشد و نوعی سردرگمی را برای افراد ایجاد می‌کند. محیط رفتاری، کمتر منجر به حضور و رفتار مشارکتی مثبت خواهد شد.	

توجه به تعریف جامعی که از محیط و منظر شهری استنباط می‌شود و با استناد به توضیحات و ویژگی‌های منظر اکولوژیک در جدول ۱ و توجه به منظر ادراکی/زمینه‌ای (کالبدی) و نیز بر طبق گفته کالن (۳) که: «منظر شهری» را هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی می‌داند که «محیط شهری» را می‌سازند و همچنین توجه به جدول ۲ (محیط و انواع آن) و تأکید بر ادراک عینی و علوم رفتاری در محیط شهری، می‌توان به ارتباط مکمل بین ویژگی‌های محیط و منظر شهری و تقسیم‌بندی جدیدی از عوامل و تأکیدات مشترک حائز اهمیت برخی نظریه‌پردازان و طراحان محیط و منظر شهری رسید، که در جدول ۳ به آن پرداخته‌ایم. رسیدن به این چهار ویژگی (رفتاری، بصری، ادراکی، کالبدی) برای تأمل بیشتر به محیط زندگی و یافتن مؤلفه‌های کیفیت بخش به محیط زندگی ساکنین نیز مؤثر واقع شد که در مبحث جمع‌بندی به آن پرداخته‌ایم. این امر نیز از دیگر جنبه‌های نوآوری در این پژوهش است (۱۱).

به گفته لنگ (۱۲) نکته اصلی این طبقه‌بندی‌ها و دیگر دسته‌بندی‌هایی این‌چنین، تمایز بین جهان واقعی، حقیقی یا عینی اطراف انسان و جهان پدیدار شناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه الگوهای رفتاری یا واکنش‌های روحی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نگاهی به منظر شهری:

منظر شهری فهم شهروندان از شهر است که به‌واسطه ادراک نمادهای آن (ابعاد کالبدی شهر) و تداعی معانی مرتبط با آنها (ابعاد ذهنی و خاطره‌ای) صورت می‌گیرد. شکل شهر در لایه منظر شهری به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می‌شود. یعنی منظر شهر عینیت قابل تدراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامون ما است (۲۷). منظر شهری حاصل سطح تماس انسان و شهر است و در این راستا، انسان نه‌تنها در ساختار چشم‌انداز بصری شهر از طریق فعالیت‌های خود بر منظر شهری تأثیر می‌گذارد، بلکه رفتار و درک ذهنی شهروندان نیز از طریق تماس با منظر شهری تأثیر می‌پذیرد (۲۸). به‌طور کلی منظر شهری تلفیق سه‌گانه‌ای از منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر و منظر عاطفی شهر است که مبنای رفتار قرار می‌گیرد (۲۹). با

جدول ۳- تقسیم‌بندی عوامل مشترک و حائز اهمیت برخی نظریه‌پردازان و محققین محیط و منظر شهری

(ماخذ: نگارندگان)

Table 3. Classification of common and important characteristics of some theoreticians and researchers of the urban environment and landscape (source: Authors)

رفتاری-عملکردی (فعالیت‌های انسانی و اجتماعی)	عینی (بصری)	ادراکی (معنایی-هویتی)	کالبدی (پهنه‌های زمینی و جغرافیایی)
<p>کافکا (۱۹۲۵) محیط رفتاری را تصویر شناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد. پور توبوس (۱۹۷۷) محیط شخصی (رفتاری) را در محیط مفهومی بررسی می‌کند (۱۱).</p> <p>- (۲۶) دریافت و تجربه در محیط رفتاری و مکان را برای درک و فهم رفتار مهم می‌داند.</p> <p>- (آرموس) راباپورت، (۱۹۷۷) با تأکید بر تأثیرات رفتاری محیط در نظریه جنبه‌های انسانی فرم شهری به موفقیت غیر انفعالی انسان در مقابل محیط پرداخته (۱۳).</p>	<p>کافکا (۱۹۲۵) محیط جغرافیایی را محیط عینی می‌داند (۱۱).</p> <p>- (کامیلوسیت، ۱۸۸۹) با تأکید بر ادراک بصری در نظریه زیبایی بصری شهرها به تلاطم بصری در حرکت پیاده پرداخته (۱۳).</p>	<p>- لینچ احساس ادراک محیط را حاصل تصور از فضا و تصور از زمان می‌داند و معتقد است مجموعه اینها ارتباط تنگاتنگی با زیبایی دارد (۲۰).</p> <p>- (۱) انسان هویت خویش را در هویت محیط جستجو نموده و با به عبارات دیگر هویت محیط را هویت خویش می‌پندارد و ارزش و احترام برای عوامل هویتی محیط قائل شود.</p>	<p>- (هارکوس، ۱۹۹۰) در پژوهش‌های خود به محوریت‌های کالبدی یا طبیعی برای ایجاد حد فاصل بین بخش‌های مختلف شهر پرداخت و ایجاد محیط طبیعی (فضای سبز بیشتر در شهرها در حاشیه (بند) یا در مجاورت بافت شهرها تأکید کرد (۱۳)).</p> <p>برای بهبود بافت و توسعه کالبد شهری توجه ویژه به محیط طبیعی شهر و اقدامات سازماندهی با هدف فراهم کردن محیطی در شهر است که سبب بقای بشری شود و ارزش‌ها و خصایص عالی بشری را نمایان سازد و کلاً کاربری‌ها نباید برای هم مزاحمتی ایجاد کنند.</p> <p>کافکا (۱۹۲۵) محیط جغرافیایی (کالبدی) را واقفیت‌های اطراف انسان می‌داند. پور توبوس (۱۹۷۷) محیط کالبدی (جغرافیایی) را در محیط مفهومی بررسی می‌کند (۱۱).</p>
<p>- (۳۰) عامل عملکردی را در منظر شهری حائز اهمیت می‌داند.</p> <p>- پنتلی منظر شهری را از بُعد عملکردی مورد بررسی قرار می‌دهد (۳۱).</p> <p>- (۳۲) در فرهنگ واژه‌نامه مفاهیم طراحی شهری فعالیت‌های انسانی را به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده منظر شهری مورد بررسی قرار می‌دهد.</p>	<p>- لینچ در نظریه هنجاری خود از شکل خوب شهر در بررسی کیفیات عینی (بصری) معتقد است باید از تصورات بصری و ذهنی و اولویت‌های استفاده کننده‌گان از یک مکان شروع کرد و شخصی و مکان را با هم دید (۳۰).</p> <p>- پنتلی و همکاران به منظر شهری از بُعد بصری پرداخته (۳۱).</p>	<p>- (۳۲) خاطرهای جمعی و ابعاد معنایی را در احساس لذت از یک منظر درک زیبایی آن مطرح می‌کند.</p> <p>- (مضموری، ۱۳۸۷) به ادراک ابعاد کالبدی شهر و تدابیر ایجاد ذهنی و خاطره‌ای منظر شهری و همچنین به یکی از اهداف سادگانه منظر شهری یعنی هدف هویتی آن پرداخته است (۳۴).</p>	<p>- (۳۲) در فرهنگ واژه‌نامه مفاهیم طراحی شهری عوامل کالبدی را به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده منظر شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد.</p> <p>- (چارلز لیتل، کتاب سبزه‌راه‌های آمریکا، ۱۹۹۱) اهمیت کالبدی را در موارد: شبکه‌ها و سیستم سبزه‌راه‌های جامع بر اساس شکل زمین، زمین‌ها و برآمدگی‌های زمین ایجاد شده (۳۵). سبزه‌راه رودکناری شهری به‌عنوان قسمتی از برنامه توسعه مجدد لیبهای رودکناری فراموش شده و با تخریب شده شهرها و مطالعه و بررسی کرده.</p>

معیاری

منظر شهری

می‌گردد (۳۶). عناصر طبیعی چون پایه‌های ادراکی عمیق در ذهن مردم دارند در منظر می‌بایست مورد استفاده وسیع قرار گیرند باید به احساس اجتماعی مردم، امیدها و شادی‌های آنها در فضای شهری، فرصت بروز داد. مردم باید احساس کنند بخشی از محیط به آنها تعلق دارد و محیط باید مشارکت شهروندان را تشویق و حمایت کند (۳۷). به گفته کوین لینچ اگر بناست طراحی محیط ساخته شده مفید واقع گردد باید قادر باشد از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی، به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری رساند (۳۸). محیط شهری می‌بایست نظام یابد و سیمایی متشخص به‌دست آورد تا ساکنین آن بتوانند امیال خود را با آن پیوند دهند. در این صورت محیط زندگی به

با تأکید بر ۴ ویژگی حاصله از جمع‌بندی نظریات مشترک محققین در جدول ۳، به‌سمت رهیافت مکان‌سازی در فضا می‌رسیم. مکانی واجد بار معنایی، با هویت و دارای ارزش حس مکان که در موارد جمع‌بندی به آن می‌پردازیم.

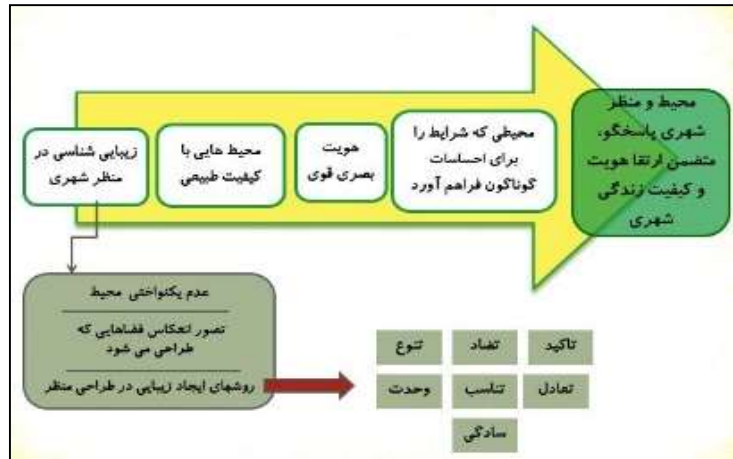
جمع‌بندی

- محیط و منظر موفق و پاسخ‌گو، متضمن ارتقای «هویت و کیفیت‌های محیط زندگی شهری»:

در منظر شهری تعادل عناصر طبیعی و محیط مصنوع هدف مهمی در توسعه شهری محسوب می‌شود چراکه موجب افزایش کیفیت زندگی انسان و اثرات بازیافتی عناصر طبیعت و شهر

تأثیر جدی بر روان انسان، رفتارهای فردی و اجتماعی، شیوه زیست، روابط اجتماعی و در یک کلام بر فرهنگ او بر جای خواهند گذاشت. بسیاری از اهداف بصری موفق محیط و منظر شهری کیفی هستند (شکل ۲). مانند آسایش که متضمن راحتی در عرصه ارتباط احساسات با پدیده‌هاست (۹).

معنای واقعی قابلیت پاسخ‌گو بودن را دارا می‌شود و تبدیل به مکانی موفق و زیست‌پذیر می‌شود که منظر شناختی نیکو دارد. دوری از طبیعت تحت سلطه ساخته خویش و به خصوص ازدیاد ماشین‌ها، قرار گرفتن زندگی در محیط‌هایی که پاسخ‌گوی نیازهای انسان نیستند و بسیاری از این قبیل مسائل محیطی،



شکل ۲- عوامل مهم در ایجاد محیط و منظر شهری موفق و پاسخ‌گو (۹)

Figure 2. Important factors in creating a successful and responsive urban environment and landscape(9)

لبه‌های ممتد، راه‌های پیوسته، منظر مهیج می‌باشند.

باید هر صحنه‌ای از شهر را با یک نظر شناخت و هر صحنه انبوه خاطرات جمعی را به ذهن بیاورد. محیط بصری جزء پیوند یافته‌ای از محیط زندگی مردم می‌شود در نتیجه سیمای محیط شهر احساسی از رضایت و شادی در ساکنین ایجاد می‌کند و سبب می‌شود وجود خود در محیط با هویت جمعی را بهتر احساس کنند. چنین ساختاری به‌عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط زندگی شده تا بتواند زمینه‌های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند.

نقش هویتی ساختار شبکه سبز شهری در ساماندهی لبه

و بهبود کیفیت محیط و منظر و فعالیت‌های اجتماعی:

در طول چند دهه گذشته، گرایش‌ها و دیدگاه‌های جدیدی در عرصه برنامه‌ریزی جهان مطرح شده است که از آن به جنبش پیاده‌سازی یا پیاده‌گستری یاد می‌شود (۴۰). محیط شهری در صورتی واجد کیفیت مطلوب است که حضور انسان به‌صورت پیاده ممکن باشد (۳). پیاده‌روی، مهم‌ترین امکان برای مشاهده

هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دل‌بستگی به محیط را به وجود می‌آورد (۳۹). احساس هویت یا این‌همانی انسان با فضا و محیط خویش یکی از روش‌های تأثیر محیط بر انسان است (۱). باید به مؤلفه‌های کیفیت فضای زندگی شهروندی و محیط (طبیعی و انسان ساخت) توجه داشت، از جمله:

- ۱- انعطاف در کیفیت عملکردی-فعالیت (فعالیت‌های جاذب جمعیت، فعالیت‌های مشوق پیاده‌روی، کار آفرینی در مقیاس محلی)،
- ۲- کیفیت‌های معنایی-ادراکی (کیفیت محیط رفتاری و مفهومی، حس جهت‌یابی مطلوب، احساس امنیت و تعلق مؤثر)،
- ۳- کیفیت‌های زیست‌محیطی (پایداری زیست‌محیطی، توجه به پیوندهای بومی، استفاده بهینه از جریان آب و آسایش اقلیمی)،
- ۴- کیفیت‌های زیباشناختی-فرمی (انعطاف در کیفیت‌های کالبدی، ایمنی محیط و برقراری امنیت،

است (۴۱). منتقدی چون مامفورد، نوسازی شهری عصر مدرن را به لحاظ فضایی، کالبدی، اجتماعی، فاقد شخصیت یا هویت دانسته و مسئله اصلی شهرسازی مدرن را مسئله هویت شهری تلقی نموده است. وی می‌گوید شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم‌هایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری می‌یافتند، شیرازه زندگی اجتماعی جوامع را به وجود می‌آوردند. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند که امروزه از میان رفته است و همه آنها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل گشته‌اند (۴۲). در راستای رسیدن به این اهداف سبز راه‌ها نمونه مناسبی از شبکه سبز شهری و پیاده‌راه اکولوژیکی محسوب می‌شوند. عبارت سبزه‌راه برای مسیرهایی به کار می‌رود که انسجام محیط‌زیست را در زیرساخت شهری محافظت می‌کنند (شکل ۳).

مکان‌ها، فعالیت‌ها، احساس شور و تحرک زندگی، کشف ارزش‌ها و جاذبه‌های نهفته در محیط شهر به حساب می‌آید. این پدیده از نظر ادراک هویت فضایی، احساس تعلق به محیط و دریافت زیبایی از اهمیت اساسی برخوردار است. جداسازی فضای پیاده از وسایل نقلیه موتوری، افزایش امنیت پیاده، افزایش فضای سبز، کاهش آلودگی‌های محیطی، ایجاد مسیری مناسب برای گشت‌وگذار و حفاظت از میراث اکولوژیک از عمده‌ترین دلایل ساخت پیاده‌راه‌ها است که از زاویه تأثیر آنها بر بهبود جنبه‌های ساختار شهر تهران باید مورد توجه قرار گیرد. مطالعه جنبه کالبدی شهر مناسب‌ترین مبنایی است که می‌توان تصویر کلی شناخت شخصیت و هویت شهر را بر آن بنا نمود زیرا جوهر کالبدی و سازمان آن محسوس‌ترین و پایدارترین جنبه آن



شکل ۳- تقسیم‌بندی انواع سبزه‌راه، ماخذ: (۹) - شکل ۴: اهداف ساماندهی لبه شهری، ماخذ: (۹)

Figure 3. Classification of green way types, source: (9) Figure 4- Objectives of organizing the urban edge, source: (9)

آنها و ایجاد محیطی پاسخ‌گو زیبا و موزون در کالبد شهر است (شکل ۶). ساماندهی، شرایط تحقق ارتباطات و تعامل و تکامل فضای در لبه شهری را با توجه به شرایط زمان و نیازها با حفظ هویت شهر صورت می‌دهد بنابراین ساماندهی در راستای توسعه پایدار شهری است (۹). کالبد شهری یکی از مهم‌ترین عناصر منظر شهری است و معانی گسترده زیبایی، جذابیت، شادابی، هویت، کارایی که ویژگی‌هایی کالبدی هستند را دربرگیرد. ویژگی‌های کالبد شهری بایستی قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای فردی، اجتماعی، روان‌شناختی و رفتاری همچنین منطبق با اهداف مأموریت‌های فضای شهری خاص باشند (۴۳). درست است که این توضیحات اهمیت توجه به نقش کالبدی را بیان می‌کنند اما بایستی توجه داشت که متأسفانه توجه بیش از حد به مسائل

مردم به‌طور طبیعی اهل معاشرت‌اند و دوست دارند در جاهایی که دیگران هم هستند جمع شوند؛ اما برای ایجاد فضایی به یادماندنی که بتوان در آن جمع شد و اختلاط کرد به مکان، کانون یا تکیه‌گاهی نیاز است، به‌طوری که حتی کسانی هم که خیلی آشنا نیستند با احوال‌پرسی‌های کوتاه، دلیل موجهی برای حضور همدیگر در این مکان‌ها پیدا می‌کنند. آنچه این فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، در درجه اول ساماندهی عوامل کالبدی منطبق با هویت ساکنین و شهروندان است که می‌تواند زمینه‌ساز ورود و سپس مکث افراد درون فضا و تبدیل شدن فضا به مکان باشد (شکل ۵). ساماندهی لبه‌های شهری به کمک سبزه‌راه (شکل ۴) نظام‌مند ساختن فضاها اطراف لبه شهری با توجه به روابط فضایی آنها به‌منظور انسجام فضاها و دسترسی راحت و سریع بین

به همراه دارند یا به عبارت دیگر فعالیت‌هایی که در آن افراد در نقاط مختلف محیط حضور دارند و دائماً در حال تغییر فعالیت‌های خویش می‌باشند و به سبب این تغییر فعالیت، رفتارهای مختلفی در محیط بروز می‌دهد. فعالیت‌های پر تحرک از جنس اجتماعی و اختیاری هستند. در فعالیت‌های اختیاری، فرد با در نظرگیری شرایط در محیط حضور دارد. این فعالیت‌ها مستلزم کیفیت‌های محیطی بسیار غنی می‌باشند تا افراد ترغیب به حضور در فضا شوند. جنس فعالیت‌های اختیاری، رفتارهایی مانند: ایستادن، نشستن، راه رفتن و دیدن را ایجاب می‌کند. فعالیت‌های اجتماعی مستلزم حضور دیگران در محیط می‌باشد و تبادلات و ارتباطات اجتماعی را افزایش می‌دهد و می‌تواند به صورت فعال، نظیر صحبت کردن یا حرکت کردن با هم باشد یا به صورت تنها در محیط با تماشا کردن سایر مردم شکل بگیرد (طرح پیشنهادی شکل ۵ و ۶). در فعالیت‌های کم تحرک افراد کمترین تحرک را در محیط دارند و دامنه‌ی رفتاری چندان زیاد نمی‌باشد. همچون سرگرمی کم جنب و جوش، حمل کردن وسایل اشخاص ناتوان و لوازم کودکان. این فعالیت‌ها از جنس اجتماعی و اختیاری می‌باشند و در نهایت فعالیت‌های خنثی که شخص خنثی بوده و مدت زمان حضور آن در نقطه یا مکانی خاص بیشتر می‌باشد (طرح پیشنهادی شکل ۵ و ۶). مانند مطالعه کردن و مشاهده کردن در بستر محیط یا مسیر (۴۶). با افزایش سطح فعالیت‌های اختیاری، تعداد فعالیت‌های اجتماعی معمولاً به طور قابل توجهی ارتقا می‌یابد. با ایجاد فضای چند منظوره و تنوع فعالیت‌ها تعداد زیادی از شهروندان جذب این فضا شده و تمایلشان برای بازگشت مجدد به آن، بیشتر می‌شود. این امر کیفیت زیست‌پذیری محیط زندگی و تعاملات شهروندان را بیشتر می‌کند (۴۷).

کالبدی، خود سبب غافل ماندن از نقش هویتی لبه شهری نیز شده است. لبه‌های شهری از عناصر اصلی معرفی شهر در ذهن مخاطب است و نقش اساسی در هویت منظر با شهر دارد. بیشترین شناخت از محیط، وابسته به ذهن است و ادراکات، مرحله‌ای میان احساس و شناخت محیط می‌باشد. ادراکات خاصی از محیط سامان یافته می‌بایست سبب حضور مردم، بر انگیزتن حس تعلقشان به محیط و مشوق رفتارهایی نظیر پیاده روی، ورزش پر جنب و جوش و استفاده از دوچرخه در راستای فعالیت‌های پرتحرک و نگرش‌های مثبت نسبت به دوچرخه سواری یا دویدن در آن‌ها شود، مانند: احساس امنیت در محیط و لذت بردن از قدم زدن، ورزش و دوچرخه سواری در مسیرهای تعریف شده و زیبا همراه با نورپردازی مناسب، کاشت درختان و فضای سبز بومی و کف سازی ایمن (۴۴). آگاهی طراح به تاکتیک‌هایی که باید برای خلق سبزه‌راه اکولوژیک در لبه شهری و محیط زندگی ساکنین اتخاذ کند تا منجر به فعالیت و رفتارهای خاص انسان‌ها شود، مهم است. فضا، مردم و نیازها، مسیر فعالیت ساکنین و شهروندان و نیز، شدت، محل انجام و مدت آن فعالیت را تعیین می‌کنند. تاکتیک مردم محور برای امنیت، آرامش، سرور و همچنین نیازهای اجتماعی ساکنین است. تاکتیک فضا گرا غالباً نیاز به تفریح و فراغت و توسعه را دنبال می‌کند. (شکل ۵ و ۶). تفاوت بین تاکتیک‌ها در انتخاب مکان‌های فعالیت ساکنین، مؤثر است. در مورد تاکتیک‌های فضاگرا، این مکان‌ها عمدتاً مکان‌های کاربردی و زیباشناختی هستند و تاکتیک نیازگرا با تمایل به رفع نیازهای پایه و متنوع افراد، منجر به انتخاب مکان‌های چند منظوره می‌شوند (۴۵). در نتیجه انتظار می‌رود در فضای طراحی شده شاهد بروز فعالیت‌هایی با ماهیت پرتحرک، کم تحرک و خنثی بود. فعالیت‌های پرتحرک یعنی مجموعه رفتارهایی که بیشترین جنب و جوش را



شکل ۵- مستر پلان پیشنهادی قسمت شمالی تا میانی سایت، وضع موجود و طرح پیشنهادی. ماخذ: (۹)

Figure 5. The proposed master plan of the northern to middle part of the site, the current situation and the proposed plan. Source: (9)



شکل ۶- مستر پلان پیشنهادی قسمت میانی تا جنوبی سایت، وضع موجود و طرح پیشنهادی. ماخذ: (۹)

Figure 6. The proposed master plan of the middle to the south part of the site, the current situation and the proposed plan. Source: (9)

بحث و نتیجه‌گیری

قرار گرفت تا مکان با هویت و پاسخ‌گو در فضا به‌واسطه تعاملات مثبت باز طراحی شود. لبه‌ها به‌دلیل مشخص کردن امتدادهای اصلی در شهر از یک سو تعیین‌کننده کلیت پیوسته و از سویی دیگر تأثیرگذار در احیای هویت طبیعی و تاریخی شهر هستند.

یکی از راه‌های ترکیب منظر شهری با مناظر طبیعی حومه شهر «امتداد این منظر حومه‌ای به داخل شهر» با مسیرهای عبور و مرور (به خصوص تأکید بر شبکه‌های سبز اکولوژیک) است. منطقه مورد مطالعه به‌عنوان یک «لبه درون شهری» مورد بررسی

شهری در جهت افزایش کیفیت و امنیت محیط زندگی با خلق محیط و منظر پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی در شهر می‌باشد. این امر تأکید دارد که نباید فضاهای سبز لبه را به‌عنوان یک فضای صرفی دید بلکه طراحی سبزه‌راه اکولوژیک کاربردی با توجه به سابقه تاریخی محل و چگونگی استفاده از فرصت‌ها و قوت‌های منطقه صورت پذیرد. در نتیجه زمین‌ها و فضاهای باز رها شده در لبه شهری فوق که توجه درستی به آن نشده بود با استقرار فعالیت‌های اجتماعی گوناگون در راستای ویژگی‌های فرهنگی مکان و پتانسیل‌های موجود، بازطراحی شد. این امر سبب حضور، مشارکت و تعامل متقابل مردم در بستری طبیعی در لبه شهری پیوسته و سامان یافته واقع در محدوده مسیل کن می‌شود.

از مزایای مفید دیگر این طرح می‌توان به بهبود کیفی ساختار اکولوژیک شهر، حفاظت از سیستم‌های طبیعی بوم‌شناختی، بهبود شرایط زیست‌محیطی، حفاظت از ارزش‌های فرهنگی، هویتی و طبیعی منطقه، اشاره کرد. افزایش کیفیت بصری و جنبه‌های زیبایی‌شناختی محیط و یکپارچه شدن لبه شهر تأثیر قابل توجهی در افزایش رضایتمندی شهروندان و ماندگاری تصویر و تجسم لبه شهر تهران در نقشه ذهنی شهروند دارد که در درازمدت بر حس تعلق شهروندان به محیط زندگی و در نتیجه احساس مسئولیت آنها برای حفاظت از سرمایه‌های طبیعی و میراث اکولوژیک تأثیر مثبت دارد.

پیشنهاد اهمیت تأکید بر نظارت اجتماعی و نقش مشارکت مردمی:

در فضاهای شهری حومه‌ها و لبه‌های شهر، محیط با کیفیت بالا و حتی محیط بی‌کیفیت مؤلفه محوری در توسعه فردی و اجتماعی است. نقش منظر برای یافتن منطبق سازنده ارتباط بین انسان و محیط طبیعی در تعیین خط‌مشی توسعه پایدار مسئله اساسی است. رویکرد توسعه پایدار در محلات تا منطقه، حاصل تلفیق دو رویکرد توسعه محله - منطقه و توسعه پایدار است و سعی دارد با تقویت، ساماندهی و بهسازی فضاهای کالبدی محله تا منطقه، مسائل اجتماعی و زیست محیطی را بهبود بخشد و از این طریق به افزایش مشارکت و حس مسئولیت پذیری مردم

مطالعات محدوده مورد نظر حاکی از تخریب شدید فضاهای باز زیست‌محیطی و پهنه‌های اجتماعی در لبه شهری کن شده که در پی آن انقطاع در پیوستگی بین کریدورها و لکه‌های اکولوژیک شهری بروز پیدا کرده است. لذا در رساندن اطلاعات محتوایی و مکانی خود ناموفق بوده است. فضاهای سبز منظر شهری، نقش مهمی در ارتقاء جنبه‌های زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند و مدیریت و نظارت صحیح بر این فضاها جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است. مدیریت مؤثر فضاهای سبز منظر شهری، تضمین کننده توسعه پایدار در راستای شهرهای قابل زندگی با اهداف حفظ و تقویت عملکردهای اکولوژیک، افزایش کیفیت زیباشناختی، بهبود دسترسی و لذت عموم مردم و بهبود کیفیت محیط زندگی ساکنان می‌شود (۴۸)، در صورتی که بررسی‌ها در محدوده مورد پژوهش نشان داد که توجه شایسته به این امر میسر نگشته است. طرح پیشنهادی به مسئله پیوند درون با حاشیه (مجموعه متعلق به لبه شهر و بافت مجاور آن) برای دستیابی به مناسب‌ترین سازمان فضایی توجه داشته است. در طرح‌های جامع و پیشین مهندسیین مشاور در راستای ساماندهی بخشی از اراضی غربی رودره مسیل کن و دسترسی‌های اراضی مد نظرشان، توجهی به «نقش هویتی» این لبه شهری فراموش شده تهران نشده است و به سبب آن ساماندهی محیط و منظر آن با توجه به راهبرد شبکه سبز اکولوژیک کاربردی که نقش مؤثری در خلق فضای شهری پاسخ‌گو را دارد، صورت نگرفته است. در طرح پیشنهادی (شکل ۵) و (شکل ۶) لبه‌ها با «گشایش» خود، دروازه‌هایی با هویت و تعامل فرهنگی، اجتماعی به منطقه و شهر می‌دهند تا مردم را به «داخل لبه» دعوت کنند و پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگی-اجتماعی و ادراکی آنها باشند و سبب ارتقای کیفیت محیط زندگی و فعالیت‌ها و مشارکت ساکنین و شهروندان شوند، که خود از جنبه‌های نوآوری و متمایز بودن پژوهش مربوطه می‌باشد. توجه به وجه دیگر نوآوری در این پژوهش و طراحی این است که «به لبه شهری» صرفاً به‌عنوان منظر سبز ساده یا گل‌کاری شده در لبه یا پهنه تفریحی ساده، بدون انعطاف‌پذیری کالبدی و عملکردی در حاشیه و به موازات اتوبان و بزرگراه‌ها دیده نشده است. بلکه تأکید بر احیای هویت قدیمی این لبه فراموش شده

مردم در آن حضور دارد چرا که خود مردم آن را ایجاد کرده اند (۵۰). با توجه به اینکه تجربه طرح‌های مشارکتی مدیریت شهری در ایران در مقایسه با کشورهایی که از سال‌ها قبل به تمرین این امر مهم پرداخته‌اند بسیار ناچیز است، بار دیگر به لزوم انجام تحقیقات گسترده و دقیق در ابعاد مختلف موضوع مشارکت شهروندی در ایران و انجام پروژه‌های آزمایشی بر اساس نتایج و یافته‌های مطالعات تأکید می‌گردد. انجام ارزیابی‌های دوره‌ای از پروژه‌های مشارکتی انجام شده موجب خواهد شد تا راهکارهای مناسب‌تری برای افزایش تأثیر مشارکت شهروندان در برنامه‌های مدیریت و توسعه شهری-کشوری به‌دست آید. توسعه شهری باید فردیت خاص را تقویت کند و اهمیت فراوان لبه شهری در حاشیه مسیل کن به‌عنوان یک میراث فرهنگی، اکولوژیکی در مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهری مورد توجه قرار گیرد. سنت‌های ادغام فرم شهری در کیفیت‌های محیطی و فرهنگی را باید شناخت، از آن آموخت و در آینده پیش‌بینی کرد. لبه‌های فاقد طراحی پاسخ‌گو نسبت به ایده هویت نتیجه معکوس خواهند داشت. پیش‌شرط موفقیت تمامی برنامه‌های مشارکتی شهروندان، باور سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و مدیران شهری به تأثیر مشارکت شهروندی در حل مسائل و مشکلاتیست که بهبود کیفیت محیط زندگی آنان در گرو یافتن راه حل و چاره‌ای مناسب برای آنهاست.

References

1. Pakzad J. Identity and sameness with space. *Soffeh Journal*. 1996;21:Tehran (In Persian)
2. Madanipour A. *Urban Space Design, Urban Planning and Processing Company*. Tehran Municipality 2005. (In Persian)
3. Cullen G. *The Concise Townscape*, Translated by Manouchehr Tabibian. Tehran: Tehran University Press; 1998. (In Persian)
4. Lynch K. *The Image of the City*, Translated by Manouchehr Mozayyani: Tehran University Press; 2006.

نسبت به مسائل محیط زندگی خویش و ارتقاء امنیت محیط زندگی آن‌ها در شهر کمک کند تا ساکنین و شهروندان بتوانند با حداکثر آسایش و کرامت با یکدیگر زندگی کنند (۴۹). بنابراین محافظت، مدیریت و مشارکت شهروند و تدوین برنامه‌ریزی صحیح منظر، مسئولیتی مهم برای مسئولین و تمام اقشار جامعه است. راپاپورت مقتدرسازی شهروندان، به معنی هدف قرار دادن تقویت امکانات افراد برای کنترل بر روی زندگی خویش را مهم می‌داند. به عقیده زیمرمن و راپاپورت (۱۹۹۸)، اقتدار اجتماعی زمانی متجلی می‌شود که هم افراد هم مسئولین و سازمان‌ها، دارایی‌های خود را در تلاشی مشترک برای نیل به اهداف جمعی به‌کار گیرند (۲۴). در اینجا اهمیت بسترسازی زمینه مشارکت شهروندان از سوی مسئولینی پاسخ‌گو که واجد ویژگی شفافیت، حمایت و تقویت گروه‌های مدنی می‌باشند، مشخص می‌گردد. آموزش فرهنگ شهرنشینی نیز که در دستور کار مدیریت شهری امروز قرار می‌گیرد، بدون ارائه نمونه‌هایی ملموس از نتایج مثبت مشارکت شهروندان به آنان نتیجه بخش نخواهد بود. در هر فرآیند طراحی لزوم توجه به نظر استفاده‌کنندگان و کاربران فضا از جمله موضوعات محوری در طراحی شهری امروز می‌باشد. تمرکز پراگماتیسم (عمل‌گرایی، انجام‌گرایی) بر توانایی انسان برای یادگیری، تعقل، مشارکت، ایجاد انتخاب در محیط‌های خود برای پاسخ، تعامل، انطباق، اصلاح و شکل‌گیری مجدد محیط است. پراگماتیسم اصطلاحی است که در طراحی محیط شهری دو مفهوم: ۱- وابسته به خواسته‌های مردم و شرایط حاضر در مکان، ۲- فلسفه‌ای بودن را با هم دارد، که محبوبیت آن نیز به شمار می‌رود چون به همبستگی میان افراد جامعه توجه داشته و این همبستگی را منجر به مشارکت و نزدیکی آن‌ها و بروز تعاملات اجتماعی می‌داند که باعث امتیازاتی در طراحی فضاهای شهری شده است. مانند: لزوم شرکت همه گروه‌ها در طراحی، لزوم همکاری میان رشته‌ای در امر طراحی، توجه به نیازهای انسان با توجه به رفتار آن‌ها در فضای شهری. در طراحی و تهیه طرح‌ها یک شناخت از رفتار انسان‌ها صورت می‌گیرد که این فضاها با توجه به نیازهای مردم باشد و مردم در شکل دادن تهیه طرح سهیم باشند. پراگماتیسم به کشف حقایق می‌پردازد و دیدگاه عملگرایانه دارد و باعث ایجاد فضایی میشود که

12. Lang J. Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design, Translated by: Alireza Einifar: Tehran University Press; 2013. (In Persian)
13. Kashanijoo K. Recognition of theoretical approaches to urban public spaces. City Identity Journal. 2010; 103(6), (In Persian)
14. Jacobs J. The Death and Life of Great American Cities Hardcover, Translated to Persian by Arezoo Aflatouni, Hamidreza Parsi: Printing and Publishing Institute of University of Tehran; 2007. (In Persian)
15. Council-of-Europ .The European landscape convention, http://www.coe.int/t/dg4/cultureheritage/conventions/landscape/default_en.asp.november. 2000
16. Alizadeh H, Abdi MH, Rahimi Kake Joob A. Strategies to improve the functionality of recreational spaces, a case study: Sanandaj's Didgah entertainment collection. Scientific-Research Quarterly of Urban Studies. 2012(4):1-14. (In Persian)
17. Kaplan R, Kaplan S. The Experience of Nature: A Psychological Perspective. Cambridge, UK: Cambridge University; 1991.
18. Farsai A. Urban Spaces and Principles of Iranian Urban Development. Maskan (Housing) news-educational research journal. 2010;23:Tehran. (In Persian)
19. Carmona M, Heath T, Oc T, Tisedell S. Public places, urban spaces: different dimensions of urban design, Translated by Gharaei, Shokouhi, Ahari and Salehi. Tehran: University of Arts Press;2009. (In Persian)
20. Aminzadeh B. Evaluating the aesthetics and identity of a place. Hoviyate Shahr
5. Duany A, Plater-Zyberk E. The second coming of the American small town. Wilson Quarterly.1992; 16(1):3-51
6. Yar Ahmadi S. The role of edges in realization of the goals of landscapes. Manzar specialized monthly (specialized in urban landscape). 2010(11): (In Persian)
7. Nelum Kumari H. Urban edge as a responsive urban space: examination of the impact on the city with special reference to City of Colombo 2005.
8. Forman RT, Godron M, editors. Landscape ecology principles and landscape function. Methodology in landscape ecological research and planning: proceedings, 1st seminar , International Association of Landscape Ecology, Roskilde, Denmark, Oct 15-19, 1984/eds J Brandt, P Agger; 1984: Roskilde, Denmark: Roskilde University Centre, 1984.
9. Allami A. The Role of Improving (Rehabilitation) of Urban Landscape and Environment in Organizing City Edges of Tehran (Case Study: Kan Ravine (Stream) in District 18 of Tehran Municipal Department, Fath to Azadegan Highways).Thesis M.Sc. degree on Environmental Design Engineering, Islamic Azad University Science And Research Branch;2013. (In Persian)
10. District 18 Municipality of Tehran, Gozineh Consulting Engineers, Studies on the special plan for the organization of Kan Ravine and its western lands. 2009. (In Persian)
11. Mortazavi S. Environmental Psychology: Shahid Beheshti University Publications; 1988. (In Persian).

30. Lynch. A Theory of Good City, Translator: Seyed Hossein Bahraini: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 2002 (In Persian).
31. Rezazadeh R. Organizing principles and criteria and constructional rules and regulations of cityscape, Ministry of Housing and Urban Development, Deputy of Urban Planning and Architecture, Urban Planning and Architecture Study and Research Center. 2006 (In Persian)
32. Behzadfar M. Glossary of urban design concepts, a research project conducted in the study and research center of urban planning and architecture. 2008: 807. (In Persian)
33. Boyer C. The city of collective memory. USA: MIT press; 1994.
34. Karimi Moshaver M, Mansouri SA, Adibi AA. Relationship Between the Urban Landscape and Position of Tall Building in The City. Bagh Nazar magazine. 2019;7(13):88-99. (In Persian)
35. Watson D. Time-saver standards for architectural design: McGraw Hill; 2004.
36. Kaplan S. The restorative benefits of nature: Toward an Integrative. 1995
37. Jacobs A, Appleyard D. Towards an Urban Design Manifesto: A Prologue. Journal of the American Planning Association. 1987;53:112-20
38. Golkar K. Constitutive components of urban design quality. Soffeh scientific research journal. 2000(32):38-65 (In Persian)
39. Ghotbi AA. The concept of identity and architecture of contemporary Iran. Ayene Khial monthly. 2008(10):81. (In Persian)
40. Tavasoli M, Bonyadi N. Urban space design. Center for studies and (City identity). journal. 2010;5(7):(In Persian)
21. Tavallei N. The shape of a coherent city. Tehran: Amir Kabir Publications; 2008. (In Persian).
22. Naghizadeh M. Perception of the aesthetics and identity of the city in the light of Islamic thinking. Isfahan Isfahan Municipal Publications; 2007. (In Persian)
23. Main B, Hannah GG. Site furnishings: a complete guide to the planning, selection and use of landscape furniture and amenities. New York: John Wiley & Sons; 2010.
24. Sharifian Sani M, Shahri F. citizen participation, urban governance and urban management. Journal of urban and rural management. 2001(8):42-55. (In Persian)
25. Nasrolahzadeh S, Ghasemi F, Kashef MH, editors. The effects of psychological characteristics of the environment on architectural space and educational space. The third international research conference on science and technology, Berlin-Germany; 2016 (In Persian).
26. Canter D. The Purposive evaluation of Places: a facet Approach. Journal of Env Behav. 1983;15:659-98
27. Habib F. Analysis of city form, meaning and criteria: Doctoral Thesis on Urban Planning, University of Tehran; 2001.
28. Crow T, Brown T, De Young R. The Riverside and Berwyn experience: Contrasts in landscape structure, perceptions of the urban landscape, and their effects on people. Landscape and Urban Planning. 2006;75(3-4):282-99.
29. Golkar K. Urban Design from Birth to Maturity. Soffeh Scientific-Research Journal. 2003(36):8-23. (In Persian)

- on Architecture, Civil Engineering, Urban Development, Environment and Horizons of Islamic Art in the Second Step Statement of the Revolution Tabriz Islamic Art University. 2023;9. (In Persian)
47. Ghafouri A, Weber C. Multifunctional urban spaces a solution to increase the quality of urban life in dense cities. *Manzar, The Iranian Academic Open Access Journal of Landscape*. 2020;12(51):34-45. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.214183.2023>.
48. Li W. Urban Landscape Green Space Management and Sustainable Development. *Journal of Civil Engineering Urban Planning*. 2023;5(12):48-52. <http://dx.doi.org/10.23977/jceup.2023.051207>.
49. Asadimehr Sh, Orak N. The Role of Planning in the Sustainable Development of Urban Space. *Eurasian journal of Chemical, Medicinal and Petroleum Research*. 2024;3(3):745-61
50. Ganjeali F, Hashemi SM. Pragmatism in human-centered and democratic urban design. *Scientific and specialized quarterly journal of urban design studies and urban researches*. 2021:64-7. (In Persian)
- researches of Iranian architecture and urban planning. 2007. (In Persian)
41. Mirmoghtadai M. Criteria for recognizing and evaluating the identity of the urban structure. *Fine Arts magazine*. 2004(19):35. (In Persian)
42. Daneshpour SA. An introduction to the concept and function of the identity of the human-made environments. *Bagh Nazar*. 2004(1):63. (In Persian)
43. Kashanijoo K. Pedestrians, from design basics to functional features. Tehran: Azarakhsh Publications; 2014 (In Persian).
44. Blitz A. How does the individual perception of local conditions affect cycling? An analysis of the impact of built and non-built environment factors on cycling behaviour and attitudes in an urban setting. *Travel Behaviour and Society*. 2021;25:27-40
45. Wronkowski A. Towards discovering human urban activity—tactics of human spatial behavior. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*. 2024:1-19. <https://doi.org/10.1080/10911359.2024.2323052>.
46. Ganjeali F, Ghalandarian I. Explaining the dimensions of the urban space responsive to the formation of human behavior. 3rd International Conference